

## کارگر و معلم قربانیان خشونت

گزارش نشست کانون مدافعان حقوق بشر به مناسبت روز معلم و کارگر

۱۳۸۶/۲/۹

«روز معلم» و «روز کارگر» فرصتی شد تا کانون مدافعان حقوق بشر اولین نشست مطبوعاتی خود را در سال جدید به این دو قشر از جامعه اختصاص دهد. «حقوق معلم و حقوق کارگر» عنوان این نشست بود که در روز دوشنبه ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۷ برگزار شد تا حاضران هر یک از زاویه‌ای به نقش و جایگاه معلمان و کارگران و نقض حقوق شهروندی آنان بپردازند. محمدعلی دادخواه عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر در ابتدای جلسه از خانم دکتر امام خواست تا به عنوان یکی از پیشکسوتان عرصه آموزش، نشست مطبوعاتی کانون مدافعان حقوق بشر را آغاز کند. دکتر امام ضمن ارائه شرحی از چگونگی تدریس در دوران فعالیت آموزشی خود از عشق و علاقه در این حرفه سخن گفت. به گزارش روابط عمومی کانون مدافعان حقوق بشر دکتر امام در دوران فعالیتش تنها به تدریس قانع نبوده و در کنار تدریس یک مددکار اجتماعی نیز به حساب می‌آمد. با پایان سخنان این معلم پیشکسوت نوبت به دکتر شیرازی عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر رسید تا او با ارائه تبیینی از بحث خشونت در جوامع بشریت به نقد کسانی بنشیند که با استفاده از ابزار خشونت، سعی در تنظیم روابط انسان‌ها دارند.

او گفت خشونت اگر چه به ارباب می‌انجامد اما از سوی دیگر نفرت را بازتولید می‌کند. شیرازی با بیان اینکه نفرت باعث تکثیر خشونت می‌شود از تقویت اراده‌های قوی برای کنترل و از بین بردن خشونت یاد کرد. او گفت در شرایط امروز با توجه به تحولات جهانی باید با گسترش جنبش صلح‌خواهی در جامعه، راهکارهای قانونی برای رسیدن به حقوقی که کرامت انسان‌ها را تامین می‌کند، ایجاد شود.

دکتر مجد سخنان بعدی این نشست از زاویه تخصص خود یعنی روانپزشکی بحث خشونت را مورد واکاوی قرار داد. او به ۳ عامل در ایجاد خشونت اشاره کرد. «وجود ریشه‌های خشونت در همه افراد»، «برخوردها در خانواده» و «جامعه».

دکتر مجد با بیان اینکه خشونت یکی از صفات رذیله انسانی است، گفت: کنترل خشم انسان علامت سلامت روان و تمدن است و بروز خشم علامت عقب‌ماندگی است. بنابراین افرادی که خشم خود را نمی‌توانند کنترل کنند باید معالجه شوند.

این روانپزشک ادامه داد: خشونت اعتماد به نفس را از انسان می‌گیرد و سپس او را متاثر می‌کند و بعد از آن انسان را وادار می‌کند تا تلافی کند. نقد خشم و خشونت باعث شد تا آقای معارفی نماینده کانون صنفی معلمان ایران نیز به این موضوع بپردازد؛ مسئله‌ای که به اعتقاد این عضو کانون صنفی معلمان ایران گسترش آن می‌تواند به فرونشستن مهربانی و عشق بینجامد. داوود رضوی عضو سندیکای شرکت واحد در ادامه جلسه فشارهایی را که در طول سال‌های گذشته بر کارگران وارد آمده است یادآوری کرد. احضارها، بازجویی‌ها، فشارهای اقتصادی و فشارهای روحی مشکلاتی بود که به اعتقاد این عضو سندیکای شرکت واحد بر کارگران و خانواده‌های آنان وارد شده است. او با ابراز تاسف از اینکه منصور اسالو رئیس‌هیات‌مدیره سندیکای شرکت واحد با وجود حمایت‌های بسیار همچنان در زندان است، به عدم ابلاغ حکم زندان به اسالو اشاره کرد و گفت: هر موقع ما از منزل بیرون می‌رویم این

استرس برای خانواده‌های ما وجود دارد. علاوه بر این ما کارگریم اما نمی‌توانیم حتی در شرکت‌های خصوصی کار کنیم.

او تلاش برای ایجاد سندیکاها توسط کارگران را مورد اشاره قرار داد و تأکید کرد که این خواسته‌ای است که با تشکیل تشکل‌های آزاد کارگری تحقق می‌یابد.

تاکید رضوی بر ضرورت تشکیل تشکل‌های کارگری حمایت ایران‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان ایران را به همراه داشت.

حمایتی که با این جمله همراه شد: در جامعه‌ای که آزادی نباشد، عدالت اجتماعی هم در آن جامعه نخواهد بود و جامعه‌ای که در آن عدالت اجتماعی نباشد آن جامعه متلاشی می‌شود.

او با اشاره به ضرب و شتم معلمان در اواخر سال ۸۵ و اوایل سال ۸۶ که در مقابل مجلس شورای اسلامی صورت گرفت این اتفاق را ضربه‌ای بزرگ بر جامعه معلمان ارزیابی کرد.

تاکید این عضو کانون معلمان بر ضرورت رفع هرگونه خشونت از جامعه نوبت به کاظم فرج‌اللهی فعال در حوزه کارگری رسید تا او با طرح این سوال که کارگران چه کسانی هستند و چه می‌خواهند؟ تعریف خود را از کارگر و طبقه کارگر ارائه داد. «همه کسانی که کار می‌کنند، ارزش اضافی و سود و منافع مادی تولید می‌کنند، خودشان از آن بی‌بهره هستند و فقط دستمزد می‌گیرند».

او با تفکیک کارگران به دو گروه «تولید و خدمات» گفت که کارگران صنعتی به خاطر اجتماعشان در کارگاه‌هایی که به آنها همبستگی می‌دهد موقعیت خاص خود را دارند.

او سپس به وجه مشترک همه گروه‌های حقوق‌بگیر اشاره کرد. «همه حقوق‌بگیران تمایل دارند شرایط کارشان مناسب باشد و «کارفرمایان برای کسب سود بیشتر تمایل دارند دستمزد کمتری بپردازند».

او با بیان اینکه کارگر را با کار و زحمت و محرومیت تعریف نمی‌کنند، گفت که کارگر را با قدرت و توانایی که بر جامعه اثر می‌گذارد تقسیم می‌کنند.

این فعال در حوزه کارگری تقسیم حقوق‌بگیران را به کارمند و کارگر تفکیکی دانست که صحیح نیست.

او با طرح این سوال که کارگران چه می‌خواهند، گفت که آنان شغل مناسب می‌خواهند تا با این شغل مناسب، درآمدی داشته باشند و با آن درآمد، زندگی مناسبی را بگذرانند.

فرج‌اللهی گفت که شغل مناسب و درآمد مناسب چیزی نیست که کارفرمایان به آسانی به آن تن دهند.

او ادامه داد: ایجاد تشکل‌های صنفی حقی است که بر اساس منشور حقوق بشر به کارگران داده شده است که متأسفانه بسیاری از کارفرمایان و دولت‌ها به شکل‌های مختلف در راه دستیابی به این حق و به شکل‌های مختلف سنگ‌اندازی می‌کنند.

فرج‌اللهی نیز همچون ایران‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان ایران که از ضرب و شتم معلمان در اواخر سال ۸۵ و اوایل سال ۸۶ در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی سخن گفت به ضرب و شتم، اخراج و فشارهای وارده بر کارگران اشاره کرد. بنابراین لازم دید تا از مصادیق نقض حقوق بشر در مورد کارگران سخن بگوید.

«اکثریت کارگران به دلیل شرایط غیرعادلانه دستمزد، از داشتن یک زندگی شرافتمندانه محرومند»، کارگران ایران عملاً در پی ابهام در قانون از داشتن تشکل‌های آزاد کارگری محروم هستند، «به دلیل سیاست‌های نادرست ضدتولید و بیکاری‌ساز ۴ میلیون کارگر بیکار وجود دارد یعنی از حقوق شغلی محروم هستند و امنیت شغلی ندارند و مجبورند به انواع قراردادهای موقت تن دهند».

«سوء مدیریت در پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی» و «تبعیض در محیط کار» شناسایی و اخراج کارگران سندیکایی، گزینش کارگراها و وجود تبعیض جنسی از مواردی بود که این فعال حوزه کارگری از تبعیض در محیط کار از آن یاد کرد.

او در ادامه گفت: «سوءاستفاده از کارگران زن بسیار بالاست و کارگران زن امنیت ندارند. کارگران زن به خاطر مادر بودن مجبورند از فرصت شغلی و ارتقای شغلی بی‌بهره باشند».

طرح مصادیق نقض حقوق بشر در خصوص کارگران باعث شد تا باقری عضو کانون صنفی معلمان ایران نیز از ضرب و شتم معلمان و انتقال آنان به زندان و صدور احکام محکومیت معلمان انتقاد کند؛ انتقادی که با قرائت بیانیه کانون صنفی معلمان ایران همراه شد.

«اشاره به عدم انعکاس اخبار معلمان در رسانه‌ها»، «انتقاد از بی‌توجهی مسوولان تصمیم‌گیر به نظر معلمان برای انتخاب وزیر»، «عدم مدیریت صحیح نسبت به صندوق ذخیره فرهنگیان» و «وعده‌هایی که اجرای آن با تعلل همراه می‌شود» از جمله مواردی بود که در این بیانیه به آن اشاره شده بود.

دکتر غلامعباس توسلی جامعه‌شناس پشت‌تربییون قرار گرفت تا به عنوان آخرین سخنران این نشست از دو قشری که یکی تولیدکننده همه کالاهایی که نیاز داریم و دیگری تولیدکننده فرهنگ و رشد هستند، سخن بگوید. توسلی با ابراز تاسف از اینکه این دو قشر از محروم‌ترین اقشار جامعه هستند این سوال را مطرح کرد: «چه باید کرد؟»

این جامعه‌شناس گفت که متأسفانه افراد مجرب و کاردان در جای خود قرار نگرفته‌اند که بتوانند تورم را مهار کنند. معتمدی‌مهر وکیل دادگستری در تأیید گفته‌های توسلی بر ضرورت عمل جمعی و حمایت مشترک و اتحاد تمامی نیروهای آزادیخواه تأکید کرد؛ تأکیدی که با قرائت بیانیه کانون مدافعان حقوق بشر به عنوان پایان‌بخش نشست «حقوق معلم و حقوق کارگر» همراه شد.

بنابراین محمد سیف‌زاده عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر بیانیه این نهاد را با عنوان پویندگان راه علم و صنعت قرائت کرد: «بی‌گمان نقش نخست در ساختن و پرداختن جهان به عهده آموزش و پرورش بوده است. اگر ابتدای جهان کلمه بود و در پی آن عظمت و ابهت گیتی پایه‌ریزی شد، این تغییر و تحول بدون تردید به اندیشه آموزش‌گران و دستان پرتوان کارگران، مدنیت و معنویت یافت. بدون تردید این رسالت خطیر و گران، بر دوش معلمان که پایه‌ریزان تمدن و انتقال آن از طریق تعلیم و تعلم بوده و آن را در زمره وظایف و تکالیف خویش دانسته و با عشق و مرامت آن را قبول کرده و به انجام رسانده‌اند، می‌باشد. اما آیا تاکنون بر این مهم پافشارده‌اند که جایگاه قانونی و منزلت اجتماعی این اقشار ارجمند کجاست و تا چه پایه و مایه به عدالت و انصاف در حق این پایه‌ریزان ستون‌های استوار مدنیت، اندیشه‌مند نگریسته شده است.

اگر اصول، مبانی و مبادی هر امر به نحو صحیح رعایت شود، می‌توان انتظار منطقی از بازده توازن و کار در آن طرح داشت. ناهنجاری هنگامی رخ می‌دهد که هر موضوع در موضع خود قرار نگیرد و توازن شایسته در صحنه اجتماع نسبت به ارزش و اعتبار مسائل رعایت نگردد.

امری که به نحو غمباری در جامعه ما جلوه‌گر است. اگر به درآمد سرانه کارگران که گردانندگان چرخ سرزمین ما هستند، توجه کنیم و معیشت معلمان را در نظر بگیریم و با یک حساب ساده به تطبیق این گروه‌ها با دیگر اقشار جامعه بپردازیم، نتایج فاجعه‌باری را به‌دست خواهیم آورد.

رسالت مدیران جامعه آن است که از سازندگان انسان‌ها به گونه‌ای دفاع و حفاظت کنند که بتوانند فارغ از دغدغه و تشویش، مسوولیت خود را پذیرفته و عمل کنند. قانون اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر به ویژه در تفسیر و تبیین اصول آن در میثاق فرهنگی، اجتماعی تا بدان حد بر این مهم تأکید شده که در صدر تکالیف دولت‌ها، آموزش و

پرورش مجانی را قید نموده است. بدیهی است تلاش در تامین معاش و بهداشت و فراغت بال این اقشار می‌تواند تاثیر شگرف در پیشرفت و ترقی و تکامل جامعه داشته باشد. پس برای دستیابی به اهداف مزبور، تکلیف اولیه حکومت‌گران توجه وافی به اندیشه‌سازان جامعه و گردانندگان چرخ کار و صنعت می‌باشد.»